

مشارکت مردمی و ناجا؛ ضرورت‌ها، زمینه‌ها، اهداف و راهبردها

سید محمد رئیس زاده^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۸

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال اول / شماره یک - بهار ۱۳۹۵* ۱۶۴-۱۴۷

چکیده

تنوع ماموریت‌ها و پیچیدگی شرایط و محیط عملیاتی برای بسیاری از سازمان‌ها و حتی دولت‌ها، وضعیتی را پدید آورده که به رغم امکانات بسیار، با اتکالی صرف به توانمندی‌های درون سازمانی دیگر نمی‌توان به نحو مطلوب به اهداف و آرمان‌ها و ماموریت‌ها دست یافت. لذا بهره‌گیری از ظرفیت‌های غیر سازمانی در جهت بهینه‌سازی ظرفیت‌های سازمانی پلیس امروز یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. ظرفیت‌های موجود در حوزه اجتماعی و سرمایه‌های موجود در این حوزه که خود از حوزه‌های اصلی ماموریت نیروی انتظامی است و عمده ذی‌نفعان خدمات نیروی انتظامی را آحاد آن تشکیل می‌دهند، فرصت‌ها و امکانات جدیدی را برای این برنامه‌ریزان، سیاستگذاران، مجریان امور و وظایف این نیرو ایجاد می‌کند. از سوی دیگر منزلت و جایگاه نهادی و سازمانی نیروی انتظامی در قیاس با دیگر سازمان‌ها در حوزه نهادی دولتی و در افکار عمومی جامعه نیز حائز اهمیت است.

مشارکت مردمی به مثابه راهبردی کلان در راستای تحقق این اهداف می‌تواند مورد توجه ویژه قرار گیرد. بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های مختلف اجتماعی و از جمله تمایل و گرایش جامعه به مشارکت و همکاری با پلیس در حوزه‌هایی از ماموریت‌های این نیرو و مشارکت دادن نهادمند و سازمان‌یافته یا غیر سازمان‌یافته، آحاد جامعه و ذی‌نفعان در امور و خدمات نیروی انتظامی، موضوعی است که می‌تواند در کاهش هزینه‌های این نیرو در انجام ماموریت‌ها موثر واقع شده و نوعی پایداری در وضعیت‌ها از جمله نظم، ثبات و امنیت اجتماعی ایجاد کند. هدف اصلی این پژوهش تبیین این دیدگاه و مبانی نظری و کاربردی آن در مقوله مشارکت اجتماعی به صورت کلی آن به منظور ترسیم خطوط

راهنما و نقشه راه برنامه‌ریزی در اقدام سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته مشارکت اجتماعی در حوزه مأموریت‌های نیروی انتظامی است. روش تحقیق بهره‌گیری از روش خبرگی و تحلیل داده‌های موجود در حوزه مشارکت اجتماعی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مشارکت مردمی، مردم، ناجا، سرمایه اجتماعی، پلیس مردمی

مقدمه

تحولات اجتماعی دوره معاصر که باعث گسترش شهرها و کلان شهرها، توسعه ارتباطات جابه جایی‌های گسترده انسانی و توسعه مهاجرت‌های ملی و فرا ملی شده، و نیز پیشرفت‌های علمی و تحولات سریع در حوزه فن‌آوری در دوره جدید، فرصت‌ها و تهدیدهایی را در برابر جوامع ایجاد کرده است. به موازات این‌ها گذار جامعه از سنت به مدرنیسم، تغییر ارزش‌ها و هنجارها، تغییر سبک زندگی و نیز پیچیدگی و تنوع مسائل امروزه که باعث شده تا هر امر کوچکی مانند حجاب، برگزاری مسابقات ورزشی، انجام مناسک مذهبی و اعیاد و عزاداری‌ها و ... به دلیل پیوستگی امور به یکدیگر قادر باشند تأثیرات گسترده‌ای را در حوزه نظم و امنیت ایجاد کنند، همچنین رشد آگاهی و افزایش سطح انتظارات و مشارکت‌های عمومی که باعث شده توده‌های مردم مدام پیگیر مسائل پیرامون خود بوده و خواسته‌هایی را در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه‌های امنیتی از دستگاه‌های دولتی مطالبه نمایند و نیز کمبود منابع و گسترش دامنه مأموریت‌ها، همگی شرایطی را ایجاد کرده‌اند تا نیروی انتظامی در برابر این تحولات گسترده و انتظارات روزافزون دولت و جامعه در وضعیتی قرار بگیرد که برای پاسخگویی به آن‌ها به تنهایی از عهده انجام مأموریت‌های محوله بر نیاید.

نظر به مأموریت‌های محوله ناجا که عمدتاً شامل تحکیم نظم و امنیت اجتماعی و اجرای قانون است و نیز با توجه به تنوع و افزایش وظایف از یک سو و کمبود امکانات و نفقات در اجرای آنها از سوی دیگر و افزون بر این‌ها تصریح قانون اساسی و آموزه‌های مذهبی بر همگانی بودن امر به معروف و نهی از منکر (مسئول بودن مردم نسبت به دولت و دولت نسبت به مردم - کلکم راع و کلکم مسئول) که در اصل هشتم قانون اساسی بدان اشاره شده و تأکید مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا بر توسعه روابط پلیس با مردم و لزوم مشارکت عمومی برای تحقق آرمان "پلیس مردمی" در سخنرانی‌های مختلف در میان پرسنل نیروی انتظامی از سال ۱۳۷۱ به بعد (از جمله: مقدم دانستن پیشگیری بر درمان و مقابله با جرم -

۷۱/۱/۲۳، لزوم فرهنگ سازی در مقوله امنیت- ۸۴/۲/۱۵ انسانی دانستن مقوله نظم و امنیت ۸۶/۸/۱۶، حامی مردم بودن پلیس از نگاه مردم - ۸۳/۷/۱۵، استفاده از توانمندی های مراکز علمی و دانشگاهی- ۹۰/۱۲/۲۲) و همچنین مستند قانونی نیروی انتظامی (قانون مصوب تیر ماه ۶۹ و تبصره ۳ ماده ۳۳ قانون استخدامی ناجا) که به موجب ماده ۴ آن همکاری با وزارتخانه ها، سازمان ها، موسسات و شرکت های دولتی وابسته به دولت، بانک ها و شهرداری ها به منظور کاهش جرائم و تخلفات و تسهیل و وظایف محوله، انجام امور امدادی و مردم یاری در مواقع ضروری (ماده ۴ بند ۱۹) امری ضروری شناخته شده، و نیز با توجه به تبصره ۳ ماده ۳۳ قانون استخدامی ناجا که بر لزوم توسعه روابط پلیس با مردم در آن تاکید شده، مسئله مشارکت عمومی مردم با پلیس امری الزامی و مهم محسوب می گردد.

برای اطلاع از وضعیت فعلی مشارکت عمومی مردم با پلیس لازم بود تا سوابق و تجربیات انجام شده در این خصوص مورد بررسی قرار بگیرد. آنچه در این مرحله بدان دست یافتیم این بود که تعابیر متعددی از مفهوم "مشارکت مردم با پلیس وجود دارد که مادامی که این مفهوم شفاف نگردد نمی توان گام های بعدی را در زمینه بررسی سوابق مشارکت عمومی در ناجا طی کرد. سپس از طریق نشست های تخصصی در گروه اجتماعی و مشارکت ها (میز تخصصی اجتماعی و مشارکت ها) مرکز راهبردی ناجا این روند ادامه یافت و با حضور کارشناسان و نمایندگان از ناجا و دیگر متخصصین این حوزه از نیروهای مسلح و مراکز بیرون بحث های مفصلی پیرامون مفهوم مشارکت اجتماعی، سوابق و تجربیات، موانع و محدودیت ها، اهداف و انتظارات و راهبردها صورت گرفت. شیوه کار این بود که ابتدا نظرات کارشناسان سازمان با توجه به تجربیات و پروژه های تحقیقاتی انجام شده در زمینه مشارکت عمومی اخذ شد. به عبارت دقیق تر از طریق ایجاد طوفان فکری اعضای حاضر در جلسه نظرات خود را ارائه نمودند و سپس مباحث و محورها جمع بندی که به شرح زیر ارائه می گردد.

الف- اهمیت تحقق مشارکت عمومی مردم با نیروی انتظامی

با توجه به آنچه که گفته شد و با در نظر گرفتن موارد زیر چنین ایجاب می کند که مشارکت عمومی سرلوحه برنامه های ناجا در بحث معماری پلیس آینده قرار گیرد؛

- توسعه روابط پلیس با مردم.

- جلب اعتماد عمومی در راستای اجرای نظم و قانون.

- تقویت اقتدار، تحرک و پویایی ناجا در اجرای مأموریت های محوله با رویکرد مردم داری.

-استفاده از اطلاعات و توان مردم در ابعاد مختلف به منظور تحکیم نظم و امنیت.
-جلب و توسعه همکاری مردم در زمینه استقرار و تحکیم نظم و امنیت متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی و اعتقادی مردم ایران.

-استفاده از توان مردم در تحقق اهداف انتظامی و امنیتی، با حفظ مدیریت ناجا.

ب- مفهوم "مشارکت عمومی مردم با پلیس"

یکی از نکاتی که در اولین جلسات نشست با برخی از مسئولین ناجا با آن مواجه شدیم مفهوم "مشارکت عمومی مردم با پلیس" بود. در این زمینه نه تنها در ذهن مسئولین بلکه در قانون ناجا و سند چشم انداز نیروی انتظامی نیز برداشت یکدستی وجود ندارد. به طور کلی با توجه به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از مفهوم "مشارکت عمومی" و "پلیس جامعه محور" و نیز تعبیر متعددی که از این مفهوم در قانون ناجا و سند چشم انداز نیرو وجود دارد سه تعبیر کلی یا سه سطح از مفهوم مشارکت وجود دارد.

۱- مفهوم "مشارکت" به عنوان "همکاری با نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و همچنین شرکت در شورای فرادستی" از قبیل اتاق فکر ستاد کل، شورای فرهنگ عمومی کشور، شورای اجتماعی کشور، و... (ر.ک به سند چشم انداز ۲۰ساله ناجا، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی جدول شماره ۱ بند ۳-قانون نیروی انتظامی مصوب تیرماه ۱۳۶۹، ماده ۴، ب. بند ۱۷ و ۱۸-نقشه مهندسی کشور مصوب ۱۳۹۲، سند چشم انداز ۵ساله ناجا بخش فرصت‌ها).
۲- مفهوم "مشارکت" به عنوان "همفکری و مشاورت با نخبگان مراکز علمی و دانشگاهی، هنرمندان، اصحاب رسانه و نیز سازمان‌های مردم نهاد" (ر.ک به: بیانات مقام معظم رهبری در پژوهشگاه صنعت نفت، ۱۳۹۰/۱۰/۲۳- سند چشم انداز ۲۰ساله ناجا بیانیه رسالت حوزه اجتماعی-سند چشم انداز ۵ساله ناجا، بخش فرصت‌ها).

۳- مفهوم "مشارکت" به عنوان "بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اقشار و توده‌های مردم" (ر.ک به: افق چشم انداز نیروی انتظامی-سند چشم انداز ناجا، بیانیه رسالت حوزه اجتماعی-سند چشم انداز ۵ساله منتهی به سال ۱۳۹۹ ناجا، چشم انداز برنامه ششم اجتماعی-سند چشم انداز ۲۰ساله ناجا، راهبردها).

باتوجه به تنوع برداشت‌ها، ناگزیر هستیم برای این گزارش یک تعریف قراردادی یا تعریف عملیاتی که راهگشای بحث باشد ارائه دهیم. بدین منظور، تعریف زیر را به عنوان تعریفی متناسب با اهداف ناجا پذیرفته ایم: "مشارکت مردم با پلیس به عنوان فرایندی

است که نیروی انتظامی برای تسهیل در اجرای ماموریت‌های خود از ظرفیت‌های برون سازمانی، در سه سطح؛ نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، نخبگان و سازمان‌های مردم‌نهاد، و نیز اقشار و توده‌های مردم بهره‌گیری نماید. این ظرفیت‌ها شامل بسیج امکانات مادی و معنوی، مشاورت و همفکری نخبگان و استفاده از نیروی فیزیکی و اطلاعاتی توده‌های مردم می‌شود.

ج- سوابق و زمینه‌های موجود:

مسئله مشارکت مردم با پلیس در رژیم سابق امری مغفول و غیر ضروری شناخته می‌شد، اما استفاده از توان دانش‌آموزان در امور انتظامی چه به شکل "پلیس مدرسه" یا به شکل "دانش‌آموزان پیشاهنگ" و "سازمان پیشاهنگی" نشانگر این است که پلیس در همان دوره هم به تنهایی از عهده همه ماموریت‌ها و وظایف بر نمی‌آمده. با وقوع انقلاب اسلامی و نزدیک شدن نهادهای انتظامی به مردم ایده استفاده از توان مردمی در حوزه نظم و امنیت توسط سازمان‌های انتظامی و امنیتی و بویژه نیروی انتظامی هم مورد توجه قرار گرفت. استفاده از اندامری از سربازان پس از دوره خدمت تحت عنوان "جوانمردان" هرچند کوتاه مدت بود ولی لزوم به کارگیری نیروهای مردمی برای حفظ امنیت را مشابه آنچه بسیج در مدیریت و مهار بحران‌ها در طول سال‌های جنگ و پس از آن ارائه نمود نشان می‌دهد. از آن زمان به بعد با افزایش وظایف محوله به ناجا و با توجه به کمبود پرسنل و بودجه این ضرورت بیشتر احساس شد.

با پایان یافتن جنگ مسئله ادغام نیروهای انتظامی (شهربانی، کمیته، ژاندارمری) مطرح گردید و این به معنای افزایش و تنوع ماموریت‌های ناجا بود. از این رو لازم بود در ساختار نیرو هم تغییراتی ایجاد شود. شکل‌گیری "معاونت اجتماعی" و "مدیریت مشارکت‌های اجتماعی" در ناجا طی سال‌های گذشته هم نشانگر تنوع ماموریت‌های این نیرو و هم شاخصی برای نشان دادن تغییر رویکرد ناجا و میزان توجه مسئولین نیرو به امر مشارکت عموم در حفظ نظم و امنیت اجتماعی است. شکل‌گیری معاونت اجتماعی طی سال‌های گذشته با موفقیت‌هایی در زمینه نزدیکی پلیس با مردم و بهره‌گیری از توان آن‌ها همراه بوده است. از جمله این موفقیت‌ها ایجاد فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و پلیس +۱۰، نهادینه شدن طرح "مشاوره و مددکاری اجتماعی" و تشکیل "شورای معتمدین پلیس" در کلانتری‌ها و نیز پلیس افتخاری" بوده است. افزون بر این اهتمام نیروی انتظامی بر این بوده که از سازمان‌های مردم‌نهاد هم کمک بگیرد. تشکیل انجمن معنادران گمنام تلاشی در این راستا بوده است. هدف از اجرای این برنامه‌ها و اقدامات را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- تحقق مشارکت مردم در برخورد با عناصر ناامن کننده جامعه (برای نمونه فعال شدن سمن ها و هیئت های مذهبی و نیز توده های مردم در شناسایی و دستگیری اراذل و اوباش و عناصر ناامن کننده جامعه).

۲- بهره گیری از شخصیت های مورد احترام مذهبی و محلی برای حل معضلات و مشکلات محلی و منطقه ای (مثل یاری گرفتن از ماموستا ها در کردستان و مولوی ها در سیستان و بلوچستان در حل مشکلات امنیتی از جمله در جریان آزاد سازی سربازان به گروگان گرفته شده توسط اشراک منطقه).

۳- به کارگیری راه حل های نرم افزاری به جای راه حل های سخت افزاری در حل معضلات اجتماعی (استفاده از مشاورین و مددکاران اجتماعی در نیروی انتظامی به منظور پیشگیری و نیز گسترش دامنه اختلافات و مشکلات شخصی و خانوادگی که تبعات اجتماعی دارند).

۴- جلوگیری از گسترش دامنه اختلاف های فردی و خانوادگی تا سطح سیستم قضایی کشور (استفاده از شورای معتمدین پلیس در کلانتری ها).

۵- جلوگیری از گسترش دامنه اعتیاد در میان مردم به وسیله معتادان سابق (تشکیل انجمن معتادان گمنام).

به رغم محدودیت هایی که برسر راه تحقق مشارکت وجود دارد ولی تجربه های ذکر شده نشان می دهد که زمینه های مساعد برای همکاری مردم با نیروی انتظامی در جامعه ایران وجود دارد که برخی از این زمینه ها عبارتند از:

- وجود نظام هنجاری متناسب با اعتقادات و ارزش های اسلامی (مثل رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی نه به دلیل ترس از جریمه بلکه به عنوان رعایت امر واجب شرعی با توجه به فتوای امام خمینی (ره))

- وجود فرهنگ مذهبی حاکم بر جامعه و نیز حس ناسیونالستی در میان برخی از اقشار مردم که زمینه را برای وحدت فرهنگی و مشارکت فراهم می سازد (مثل کنترل نظم توسط مردم در هنگام برگزاری مراسم عزاداری محرم و پرهیز از درگیری های قومی در این ایام).

- احساس ضرورت مشارکت در موارد مرتبط با منافع فردی (مثل استفاده از کمر بند ایمنی اتومبیل که در میان مردم عمومیت یافته).

رشد شهرنشینی و فرهنگ مدنی طی دهه‌های اخیر که باعث توجه بیشتر به رعایت نظم و قانون توسط مردم شده (کاهش تصادفات و سوانح رانندگی طی سال‌های اخیر).

هرچند که زمینه‌های مطرح شده راه را برای مشارکت مردم در امور انتظامی و امنیتی هموار می‌کند ولی یک سری موانع و محدودیت‌های درون و برون سازمانی سدی بر سر راه تحقق و مشارکت عموم در همکاری با ناجا بوده‌اند که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

د- موانع و چالش‌های درون و برون سازمان :

باتوجه به مباحث مطرح شده در جلسات میز تخصصی در مجموع موانع و محدودیت‌های موجود را می‌توان حول دو محور دانست یکی موانع درون سازمانی (شامل موانع و محدودیت‌های درون سازمان ناجا) و دیگری موانع برون سازمانی (شامل موانع و محدودیت‌هایی که در شرایط اجتماعی و نظام مدیریتی کشور وجود دارد) که در زیر به آنها اشاره خواهد شد:

موانع درون سازمانی:

این موانع که به نظر کارشناسان در اولویت قرار دارد و به عنوان مهمترین موانع به شمار می‌روند عبارتند از:

۱- موانع فرهنگی و ساختاری درون سازمانی. این موضوع خود شامل چند بخش می‌شود: ابتدا، نبود برداشت یکسان از مفهوم مشارکت درون سازمان که باعث شده دیدگاه‌های متفاوتی در این خصوص ارائه گردد. برخی مشارکت را محدود به همفکری با نخبگان می‌دانند و برخی دیگر دایره را وسیعتر دیده و توده‌های مردمی را هم مد نظر دارند. دوم؛ عدم توجه به مشارکت در سطوح پایین ناجا است. عمدتاً بحث مشارکت در میان مسئولین خریدار دارد و در سطوح و رده‌های پایین سازمان مسئله مشارکت نمود عینی برجسته‌ای ندارد. سومین نکته محدودیت‌های ساختاری و سازمانی است که شامل عدم وجود زمینه همکاری اداری رده‌های مختلف، نبود منابع مالی و... می‌شود. در حقیقت یک بخش سازمان نمی‌تواند در امر مشارکت موفق شود مگر اینکه دیگر بخش‌ها هم در آن سهیم باشند.

۲- تاخیر فرهنگی؛ منظور از تاخیر فرهنگی عدم تحول فرهنگی یکنواخت و همزمان در همه ساختارهای سازمانی و اجتماعی است. ممکن است در درون سازمان مسئولین از مشارکت صحبت کنند ولی ساختارها هنوز آمادگی کافی برای اجرای اهداف را نداشته باشند. در بیرون سازمان هم ممکن است مردم یا دولت از مشارکت صحبت به میان آورند ولی طرف

دیگر آمادگی لازم تحقق این امر را نداشته باشد. در چنین شرایطی یک بخش از ساختار دچار تحول فرهنگی شده ولی بخش دیگر آمادگی ذهنی برای آن امر را ندارد. در نتیجه اختلال در کار ایجاد می شود.

موانع برون سازمانی: موانع برون سازمانی شامل آن دسته از موانع می شود که ریشه در افراد و گروه های اجتماعی و پاسازمان ها و نهادهای دولتی دارند. این موانع عبارتند از:

۱- **عدم تفاهم در حوزه معنایی میان مردم و حاکمیت.** براساس تجربیات و تحقیقات انجام شده توسط کارشناسان یکی از موانع مشارکت برداشت های متفاوتی است که از این مفهوم میان پلیس و مردم وجود دارد. در حالی که در ذهن مردم منظور از مشارکت حضور فیزیکی آنان در عرصه پلیس افتخاری، پلیس محله و... است، نیروی انتظامی مشارکت گسترده تر و فعالتری را مد نظر دارد که شامل همکاری های اطلاعاتی، تبلیغات رسانه ای، ساخت فیلم و سریال در راستای اهداف و ماموریت های ناجا، آموزش مردم و بویژه دانش آموزان برای همکاری با پلیس در استقرار نظم و امنیت، ارائه چهره مثبت از پلیس و ضرورت همکاری با آنان توسط نویسندگان و روزنامه نگاران و... می شود.

۲- **ترجیح منافع خصوصی بر منافع عمومی.** یکی از مشکلات جامعه ایران فقدان دیدگاه بلند مدت نسبت به مسائل از جمله در خصوص مسئله منافع است. به طور کلی در جامعه ایران اگر نفع کوتاه مدت به شخص برسد آن را نسبت به منافع عمومی که در بلند مدت به آن شخص برسد ترجیح می دهد. مثلاً اگر مسافری در یک اتوبوس عازم سفر به شهری باشد و در طول سفر راننده بی احتیاطی کند و دچار خواب آلودگی باشد که باعث به خطر افتادن جان مسافران شود قاعدتاً باید مسافران پس از رسیدن به پلیس راه شهر مقصد، یا در هرجا که با پلیس در طول جاده مواجه شدند از راننده مزبور شکایت نمایند تا من بعد جان مسافران به خطر نیفتد. متأسفانه غالب مردم، پس از رسیدن به پلیس راه یا رسیدن به مقصد به دلیل عجله زیاد برای رسیدن به کار و زندگی خود از شکایت صرف نظر کرده و حداکثر به راننده خاطی اعتراض می کنند. اگر مردم متوجه شوند که با صرف مقداری وقت و پیگیری اینگونه مسائل قادر خواهند بود در طولانی مدت امنیت سفر را برای همگان از جمله خودشان تامین کنند به جای عجله برای رسیدن به کار شخصی خودشان بلافاصله به پلیس یا شرکت مسافربری مربوطه گزارش داده و جلو اعمال خلاف قانون و جرم را خواهند گرفت ولی به دلیل

ترجیح منافع خصوصی کوتاه مدت بر منافع عمومی بلند مدت غالباً با این مسائل برخورد نشده و با پلیس همکاری به عمل نمی‌آید.

۳- فقدان شرایط اجتماعی و زیرساخت‌های آماده و کافی در جامعه برای اجرای طرح مشارکت مردم با پلیس. حتی اگر از لحاظ مفهومی درون و بیرون سازمان ناجا بر سر مفهوم مشارکت مردم با پلیس تفاهم بوجود آید و یا چنانچه ساختارهای ناجا برای تحقق این برنامه دچار تغییر شوند باز هم این سؤال پیش خواهد آمد که آیا شرایط اجتماعی برای اجرای این هدف آمادگی لازم را دارند یا نه. مثلاً سطح سواد به گونه‌ای هست که مردم با پلیس بتوانند همکاری لازم را داشته باشند. آیا مشکلات قومی و قبیله‌ای در برخی شهرها و مناطق و یا مسائل زبانی در برخی از استان‌ها مانعی برای مشارکت مردم با پلیس نیستند؟ با توجه به پیچیده بودن شرایط اجتماعی ایران به نظر می‌رسد حتی اگر جنبه سازمانی و یا مالی مسائل مربوط به مشارکت حل شوند شرایط اجتماعی به گونه‌ای است که نمی‌توان چنین طرحی را به سرعت اجرایی کرد.

۴- تعارض فرهنگ مسلط و خرده فرهنگ‌ها. فرهنگ مسلط جامعه مبتنی بر وحدت پیرامون دین اسلام و هویت ملی است و این امر شرایط را برای مشارکت مردم با پلیس فراهم می‌کند ولی در این میان خرده فرهنگ‌هایی وجود دارند که مانع آن وحدت لازم برای همکاری و همدلی میان افراد جامعه و پلیس هستند. این خرده فرهنگ‌ها شامل خرده فرهنگ‌های قومی، دینی، زبانی، شهری، روستایی، استانی و... هستند در نتیجه همکاری‌های لازم با نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌های دولتی به عمل نمی‌آید. مثلاً فرهنگ شهری بیشتر از فرهنگ روستایی تمایل به مشارکت و همکاری با پلیس دارد. اقلیت‌های دینی بیشتر درون گرا هستند و تمایل به همکاری با پلیس با آنها کمتر از پیروان دین اکثریت است.

۵- تاثیر محدودیت‌های مناطق مرزی در مشارکت مردم. با توجه به موقعیت جغرافیایی مناطق مرزی که عموماً در مناطق صعب‌العبور و دور افتاده واقع هستند و دور بودن از مرکزیت کشور دسترسی مردم ساکن این مناطق به امکانات معیشتی و اشتغال را دشوار می‌سازد. از این رو مردم در این مناطق برای تامین زندگی خود به قاچاق روی آورده‌اند که این مسئله با مشارکت‌پذیری منافات دارد بنابراین برخی از مردم برای نجات از دشواری‌های زندگی شیوه‌ای در پیش گرفته‌اند که عمدتاً جنبه مشارکت منفی دارد. به عبارت دقیق‌تر قاچاق نوعی قانون‌گریزی و عدم همکاری با پلیس و نیروهای دولتی و به تعبیر امروز مشارکت‌گریزی است.

۶- **عدم اقبال در برخورد با هنجار شکنان.** یکی از مشکلات دلسوزی های نابه جای برخی از مردم برای هنجار شکنان است از یک سو مردم خود به عنوان شاکی داعم به نیروهای انتظامی اعتراض می کنند که چرا به هنجارشکنان (از قبیل مزاحمین نوامیس مردم، جوان‌هایی که با سوار شدن بر اتومبیل‌های گران‌قیمت و بوق زدن مکرر در حوزه امنیت و آسایش عمومی اختلال ایجاد می‌کنند. افراد زور گیر و باج گیر محل و... برخورد نمی‌شود از سوی دیگر هنگامی که نیروی انتظامی با این گونه افراد برخورد می‌کند این نیرو را متهم به سخت‌گیری کرده و به جای حمایت از افراد خاطی را حمایت می‌کنند. نمونه آن را در حمایت برخی از مجریان تلویزیون از افراد خاطی می‌توان دید.

باتوجه به توضیحات ارائه شده در خصوص موانع مشارکت چنانچه خواهیم به طور خلاصه مهم‌ترین موانع را برشماریم عبارتند از:

- فقدان هنجارها و قوانین مصوب (اعم از هنجارها و قوانین درون سازمانی یا برون سازمانی) که به نحوی با مسئله مشارکت مردم با ناجا در ارتباط اند.
- فقدان زیر ساخت های درون و برون ناجا برای تحقق فرایند مشارکت.
- عدم آگاهی و آموزش های لازم جهت درک ضرورت مشارکت مردمی در امر نظم و امنیت .
- وجود اعتماد یک طرفه مانع عمده ای در راه ارتباط دوسویه و تفاهم اجتماعی است.

ه- اهداف و انتظارات:

در امر مشارکت عمومی مردم نباید به بحث زمینه‌ها و موانع اکتفا کرد بلکه باید متوجه این نکته هم بود که اهداف و انتظارات سازمان از مشارکت عمومی چیست. از این رو لازم است به این اهداف و انتظارات اشاره کنیم تا ضرورت اتخاذ راهبردها جهت رسیدن به آن‌ها روشن گردد. این اهداف عبارتند از:

۱- **ارتقاء احساس امنیت در جامعه.** در گذشته تصور این بود که جامعه امن جامعه‌ای است که افراد آن از بعد مادی یا عینی احساس امنیت کنند. به عبارت دقیق‌تر افراد در چنین جامعه‌ای مطمئن باشند که هیچکس متعرض جان و مال آنان نمی‌شود. ولی امروزه نه تنها بعد عینی یا مادی امنیت ضرورت دارد بلکه فرض بر این است که جامعه امن جامعه‌ای است که در هر دو بعد عینی و ذهنی آحاد مردم احساس امنیت کرده و نه تنها جان و مال آنان مصون باشد بلکه از لحاظ فکری و ذهنی هم آرامش خاطر داشته باشند. یعنی نگران محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی و اجتماعی نبوده و نسبت به آینده هم چه در خصوص افکار

وایده‌ها و چپه در زمینه مسکن، کار، تحصیلات و... نگرانی نسبت به تامین آتیه نداشته باشند. یکی از اهداف نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن نیروی انتظامی افزایش ویا ارتقاء احساس امنیت در جامعه در هر دو بعد عینی و ذهنی است و این امر میسر نمی‌شود مگر با حضور مردم در صحنه به عنوان پشتوانه نیروهای انتظامی و امنیتی.

۲- افزایش اعتماد مقبولیت و منزلت اجتماعی. در گذشته نیروی‌های انتظامی به عنوان ابزاری در خدمت نظام سیاسی حاکم بودند. ولی امروز در جوامع مدرن انتظار می‌رود که نیروهای تامین کننده امنیت نه در خدمت نظام سیاسی بلکه در خدمت جامعه و کشور باشند. از این رو آن دسته از نیروهای نظامی و انتظامی موفق‌ترند که در خدمت مردم بوده و نزد آنان پایگاه اجتماعی مستحکمی داشته باشند. آنچه امروز به آن "سرمایه اجتماعی" گفته می‌شود شامل "اعتماد اجتماعی"، "مقبولیت اجتماعی" و نیز "منزلت یا شان اجتماعی" است که در صورت وجود آنها آن نظام سیاسی و نیروهای تامین کننده امنیت آن دارای قدرت وسیع هستند. در جمهوری اسلامی ایران نیز رهبران و زمامداران همواره بر این نکته تاکید داشته و عبارات "پلیس جامعه محور" و "پلیس مردمی" که بارها تکرار شده و می‌شود دال بر این است که هدف نظام سیاسی و نیروی انتظامی داشتن پایگاه قوی نزد مردم است که با کمک خود آنها و اعتماد متقابل بین حاکمیت و مردم صورت می‌گیرد.

۳- افزایش رضایت عمومی. تایکی دو قرن گذشته در هیچ کدام از جوامع مسئله "رضایت عموم" به عنوان یک پایه اقتدار نظام سیاسی مطرح نبوده ولی به تدریج در جوامع مدرن رضایت عموم به عنوان یک پیش شرط برای اقتدار نظام سیاسی مطرح شده است. یعنی نظام سیاسی و به تبع آن نیروهای نظم دهنده و امنیت بخش جامعه نه تنها باید متکی بر قانون باشد بلکه اکثریت افراد جامعه نسبت به آنها احساس رضایت کنند. چه بسا که نظم حاکم قانون را به نفع خود به تصویب رسانده باشد. پس ضرورت دارد رضایت عموم هم از عملکرد نیروهای حاکم بر جامعه وجود داشته باشد. این مسئله در نظم سیاسی صدر اسلام نیز وجود داشته و بیعت حاکمان اسلامی با مردم هم تامین کننده مشروعیت نظام سیاسی و هم نیروهای نظامی و انتظامی بوده. در جمهوری اسلامی ایران هم در قانون اساسی و در گفتار رهبران بر این امر تاکید شده و رضایت عموم ملاک عملکرد نیروی انتظامی است که در قالب همکاری مردم با این نیرو و اعتماد عموم به آن جلوه گر می‌شود.

۴- نظارت اجتماعی بر عملکرد نیروی انتظامی. از زمانی که در جوامع مدرن مفهوم "شهروند" رواج یافت به تبع آن نظام های سیاسی و مردم در برابر یکدیگر دارای حقوق و تکالیفی شدند. یکی از این حقوق که به مردم اختصاص دارد حق نظارت اجتماعی بر عملکرد نیروهای حاکم است. فرض بر این است که چون مردم تأمین کننده اقتدار نظام سیاسی هستند حق طبیعی آنان است که در ازاء حمایت سیاسی (آرا سیاسی) و نیز حمایت مادی (پرداخت مالیات) حق نظارت بر عملکرد مادی و معنوی نظام سیاسی را هم داشته باشند. بنابراین از طریق مشارکت و همکاری با نیروهای نظامی و انتظامی ضمن کمک به این سازمان از نزدیک بر عملکرد آنان هم نظارت خواهند داشت.

و- راهبردهای پیشنهادی:

مفهوم "راهبرد یا استراتژی" به گونه های مختلفی تعریف شده. برخی از نظر نظامی و برخی از نظر سیاسی و عده ای نیز از دیدگاه مدیریت به آن نگرسته و متناسب با سلیقه و حوزه تخصصی خود آن را تعریف کرده اند. اگر "استراتژی" یا "راهبرد" را عبارت از برنامه ای جامع، منسجم، و کامل برای تحقق اهداف اساسی سازمان بدانیم، یا آن را طرح عملیاتی دراز مدتی بدانیم که به منظور دستیابی به یک هدف مشخص طراحی شده باشد، در این صورت این مفهوم به معنی هدف نیست بلکه اقدامات و برنامه هایی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده می باشد. راهبرد عالی ترین سطح از سطوح چهارگانه مدیریت (اعم از مدیریت نظامی، سیاسی، اقتصادی و...) است که شامل سطح راهبردی، سطح عملیاتی، سطح تاکتیکی و سطح تکنیکی (فنی) می شود. بنابراین در این تحقیق تعبیر ما از مفهوم راهبرد همان اقدامات و برنامه هایی است که برای رسیدن به هدف یا اهداف از پیش تعیین شده اتخاذ می شود. با در نظر گرفتن توضیحات ارائه شده تدوین راهبرد یا استراتژی برای یک سازمان عبارتست از: طراحی بلند مدت برای مدیریت موثر فرصت ها و تهدیدهای محیطی و بررسی نقاط قوت و ضعف یک سازمان. در این صورت می توان ادعا نمود که راهبردها به دو منظور تدوین می شوند یا برای "حل معضلات" سازمانند یا اینکه در راستای "نیل به اهداف" می باشد. پس می توان راهبردها را بر دو قسم یا نوع دانست:

۱- راهبردهای معضل پایه.

۲- راهبردهای آرمان پایه یا هدف پایه.

باتوجه به توضیحات قبلی که در آن به عوامل چهار گانه ای اشاره شده بود که مانع از تحقق اهداف "مشارکت عمومی با ناجا" (امنیت، اعتماد، منزلت) بودند، تاکید اول، بر ارائه راهبردهایی است که برسرراه تحقق هدف سازمان که "پلیس مردمی" است سدی ایجاد کرده اند. و در کنار آن راهبردهای آرمان پایه هم در اینجا مورد بحث واقع شده اند. با عنایت به موانع دسته بندی شده راهبردهای پیشنهادی برای حل مشکلات مطرح شده عبارتند از:

۱- راهبرد آموزش، تبلیغ، و فرهنگ سازی:

اگر همه شرایط سازمانی، ساختاری، و قانونی هم فراهم گردند چنانچه ایده مشارکت عمومی به عنوان یک باور در میان پرسنل سازمان و نیز مردم پذیرفته نشود و در ذهن افراد جامعه به طور ریشه ای رسوخ و نفوذ نکند هیچکدام از برنامه ها با موفقیت قرن نخواهد بود. از این رو لازم است طرح مشارکت عمومی از طریق آموزش و فرهنگ سازی به عنوان ملکه ذهن همه در آید تا آن را جدی گرفته و به آن پایبند باشند. این آموزش ها و فرهنگ سازی ها می تواند از طریق کارگاههای آموزشی درون سازمان و از طریق رسانه ها در بیرون از آن همه را متوجه اهمیت موضوع نمایند. هدف از این آموزش ها را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

یکسان سازی مفهومی یا معنایی "مشارکت عمومی" نزد همگان اعم از درون و بیرون از سازمان که همه برداشت یکسانی از این مفهوم و مفاهیم نزدیک به آن داشته باشند.

۲- آموزش عمومی در خصوص اولویت منافع عمومی بر منافع خصوصی. در این زمینه همکاران باید متوجه این نکته باشند که هرچند در کوتاه مدت منافع خصوصی قابل حصول تر است ولی دوام نخواهد داشت و به منظور تداوم و تضمین منافع خصوصی در دراز مدت لازم است افراد اولویت را بر تامین منافع عمومی بگذارند که هم دیگران و هم شخص یا اشخاص ذینفع از آن بهره مند گردند. هرچند که تامین منافع عمومی ممکن است در دراز مدت و با یک سری هزینه ها صورت گیرد یکی از اهداف مشارکت عمومی نیز همین مسئله است.

تفہیم این نکته به عموم که همگان نسبت به اداره امور جامعه از جمله نظم و امنیت مسئولند و این نکته هم جنبه معنوی و هم جنبه اخروی و شرعی دارد (کلکم راع و کلکم مسئول و عن رعیتہ - اوصیکم به تقوی اللہ و نظم امر کم).

ترویج این ایده که مشارکت عمومی امری است "پیوسته" و "دائمی" و نه مسئله ای مقطعی. بنابراین این آحاد جامعه باید متوجه باشند که همکاری با سازمان نهایی مسئول اداره جامعه از جمله ناجا نباید به صورت "گسته" و "مقطعی" باشد. ایده پلیس ۱۱۰ همکاری مردم

را به صورت مقطعی تحقق می بخشد ولی باید به گونه ای فرهنگ سازی شود که توده های مردم و سازمان ها و نهادهای دولتی و غیر دواتی و همچنین نخبگان مسئله همکاری با ناجا را امری دائمی تلقی کنند و بدیهی است ناجا هم باید زمینه ها و شرایط سازمانی تحقق این ظرفیت و این نوع همکاری را فراهم نماید.

ز- راهبرد ایجاد تغییرات ساختاری:

یک سازمان هنگامی در پیشبرد اهداف خود موفق خواهد بود که تمامی سطوح آن به صورت هماهنگ به دنبال نیل به اهداف از پیش تعیین شده باشند. تجربه سال های گذشته بیانگر این نکته است که در زمینه مشارکت عمومی همه سطوح ناجا به طوریک دست و هماهنگ آن را نپذیرفته و به دلایل متعدد در اجرای این هدف تلاش ننموده اند. برای نمونه مواردی بوده که در نمایشگاه های برپا شده توسط ناجا از افراد عادی برای همکاری دعوت به عمل آمده و بسیاری از مردم با پرکردن فرم و سپس حضور در ناجا از این ایده استقبال کرده و آمادگی برای همکاری را اعلام نموده اند ولی بخش های مختلف ناجا از این پتانسیل استفاده ننموده اند. به نظر می رسد که برای حل این معضل اولاً لازم است بخش های "مشارکت پذیر" و "غیر مشارکت پذیر" از یکدیگر تفکیک گردند و سپس متناسب با نیاز های سازمان از افراد جهت همکاری دعوت به عمل آید. این امر مستلزم یک تغییر ساختاری در درون سازمان ناجا است. به عبارت دیگر لازم است بخش های مرتبط با مشارکت عمومی مثل "مدیریت مشارکت اجتماعی ناجا" و "معاونت اجتماعی ناجا" از طریق هماهنگی با فرماندهی ناجا و ایجاد تمرکز درون سازمان با بخش های مختلف ارتباط برقرار کرده و ضمن برآورد نیازها افراد جامعه را به همکاری دعوت نمایند. در این صورت بخش های مشارکت ناپذیر مثل "اداره آگاهی" و بخش های مشارکت پذیر مثل "پلیس راهور" یا "پلیس فتا" با یک وضعیت روشن روبرو شده و سرانجام قادر خواهند بود با هماهنگی به عمل آمده با مدیران عالی سازمان و سایر بخش ها از همکاری مردم در سطوح نخبگان، سازمان ها و نهادهای، و نیز توده های مردم بهره ببرند. ثانیاً باید اولویت با "مشارکت سازمان یافته" و نه "مشارکت توده ای" باشد. به عبارت دقیق تر همکاری غیر هدفمند توده ای ممکن است در کوتاه مدت منجر به نتیجه خوبی شود ولی در درازمدت باید برای بهره برداری صحیح تر و برنامه ریزی مطلوب مشارکت مردم از نوع مشارکت سازمان یافته و قانونمند باشد تا پتانسیل موجود هدرنرفته و در درازمدت بتوان

از توانمندی مردم استفاده کرد. ایده "پلیس افتخاری" در این زمینه ایده مطلوبی است که در حین اجرای آن باید مواظب نقاط ضعف احتمالی آن هم بود و آن‌ها را برطرف کرد.

۳- راهبرد هنجار سازی و تدوین قانون:

برطبق گزارش‌های تهیه شده و نیز تحقیقات کارشناسان و دانشجویان ناجا که در قالب پروژه‌ها و پایان نامه‌ها تهیه شده‌اند یکی از معضلات مهم، نبود هنجار و قانون در زمینه‌هایی است که به عنوان وظایف و ماموریت‌های ناجا تعیین شده‌اند. بنابراین، این نکته می‌تواند مانعی بر سر راه همکاری افراد جامعه با ناجا باشد. "چگونگی و میزان قانونی مداخله پلیس برای برخورد با مسائل، نیازمند هنجارسازی و تدوین قانون‌اند و مادامی که این امر تحقق نیابد، همکاری لازم با ناجا برای حل مسئله از ناحیه مردم صورت نخواهد گرفت. در نتیجه فعالیت ناجا بیش از آن که جنبه جلب مشارکت داشته باشد جنبه دافعه دارد. خود این راهبرد شامل سه بخش است:

۱- الزام سازمانی از طریق بخش نامه‌ها و آیین نامه‌ها که پرسنل سازمان را وادار به پذیرش مشارکت و همکاری مردم نماید.

۲- هنجارسازی و تدوین قانون از طریق سازمانها و نهادهای ذیربط به ویژه قوه قضائیه تا زمینه همکاری میان مردم و ناجا را فراهم نماید.

۳- بازتوزیع وظایف به منظور مشخص کردن وظایف هر بخش در ارتباط با مشارکت عمومی و تقسیم کار قانونی میان بخش‌های مختلف ناجا با هدف جلوگیری از تداخل کار. لازم به تذکر است که بسیاری از امور بیش از آنکه نیازمند تدوین قانون باشد مستلزم هنجارسازی است و این تنها برعهده ناجا نیست؛ اگر سازمانها و نهادهای ذیربط (وزارت ارشاد، وزارت آموزش پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، و...) با ناجا همکاری لازم را به عمل نیاورند عملکرد ناجا موثر نبوده و زیان آن بیش از منافع اش خواهد بود.

۴- راهبرد اعتماد سازی:

یکی از اهداف مشارکت عمومی ایجاد "اعتماد" در میان جامعه نسبت به نیروی پلیس است و این هدف میسر نمی‌شود مگر اینکه اعتماد متقابل به وجود آمده و ناجا هم نسبت به مردم اعتماد کند تا در نتیجه آن شان و منزلت پلیس افزایش یابد. بدین منظور لازم است ناجا دونکته را سرلوحه کار خود قرار دهد: ۱- ایجاد اعتماد به مردم از طریق واگذاری بخشی از

اختیارات خود به مردم. ۲- بازشناسی هم سویی ها یا به تعبیر دقیق تر شناسایی زمینه های مشترک همکاری میان ناجا از یک طرف و مردم، سازمان ها و نهاد های دولتی و غیر دولتی از سوی دیگر.

در خصوص اولین مورد باید گفت که واگذاری بخشی از اختیارات به پلیس +۱۰ و نیز حضور معتمدین پلیس در کلانتری ها ایده خوبی بوده که باید آن را تقویت کرده و تسری داد. این ایده را می توان در دیگر زمینه ها از جمله مقررات راهنمایی و رانندگی، برخورد با متخلفین از جمله سارقان اتومبیل های دود زا، برخورد با قاچاق کالا و قاچاقچیان و بسیاری دیگر از حوزه های ماموریت ناجا هم اجرا کرد که پلیس تنها ناظر بر عملکرد باشد نه اینکه اینگونه عمل کرد ها را خود بردوش بگیرد.

در خصوص مورد دوم هم باید گفت که زمینه های مشترک فراوانی میان سازمان های مردم نهاد و پلیس وجود دارد که از پتانسیل این سازمان ها در راستای تحقق اهداف و ماموریت های ناجا می توان استفاده کرد. مثلاً در زمینه مبارزه با اعتیاد سازمان های مردم نهادی وجود دارد که می توانند به پلیس کمک نمایند. نمونه دیگر سازمان های مردم نهادی است که قصدشان مبارزه با فساد و فحشا است که این نیز هم سو با ماموریت های ناجا است و پلیس می تواند از توانمندی مردم از این طریق بهره ببرد.

در خاتمه باید گفت که بحث "مشارکت عمومی با پلیس" هنوز در ابتدای راه است و گزارش حاضر را نه به عنوان نتیجه میز تخصصی "اجتماعی و مشارکت ها" بلکه به عنوان مقدمه ای برای پرداختن به موضوع مشارکت باید تلقی نمود و با تداوم بررسی ها امید است که بتوان گزارش های دقیق تر و مفصل تری تهیه کرد.

منابع فارسی

- قرآن کریم
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، <http://law.dotic.ir>.
- قانون ۱۱۱۵۵ : آیین نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤسسات خدمات انتظامی (حفاظتی و مراقبتی)، <http://law.dotic.ir>.
- قانون ۲۹۱۲ : قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران <http://law.dotic.ir>.
- اکبری، مجید، حسینی، سید محمد (۱۳۸۸)، «ارزش شناسی در فلسفه ارسطو»، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آئینه معرفت، سال هفتم، شماره، ۲۰، پاییز، (۹۵-۱۲۱).
- اکبریان، مهدی، فتحی، لیلا (۱۳۹۱)، «مشارکت مردم اساس توسعه اجتماعی»، مجله تخصصی پژوهش و سلامت، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان .
- رئیس زاده، سید محمد (۱۳۹۵)، مشارکت اجتماعی و ناجا؛ ضرورت‌ها، زمینه‌ها، هدفها و راهبردها، مرکز مطالعات راهبردی ناجا
- سفیری، خدیجه، صادقی، مریم (۱۳۸۸)، «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۴)، شماره ۲، تابستان، (۱-۴۳).
- سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۹)، مشارکت مردم و ناجا با تاکید بر موانع و راهکارها، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، اداره کل مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی .
- گلشیری اصفهانی، زهرا، خادمی، حسین، صدیقی، رضا، تازه، مهدی (۱۳۸۸)، «تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره، ۱، بهار، (۱۴۷-۱۶۷).
- محسنی، مرتضی، جانعلیزاده، حیدر، رکابدار، لیلا (۱۳۹۲)، «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت اجتماعی در ضرب المثل‌های داستان نامه‌ی بهمنیاری»، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره ۱، شماره ۱، تابستان، (۹۷-۱۲۱).
- موسوی، طاهر (۱۳۸۶)، «مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، (۶۷-۹۲).
- مهدوی، سید محمد صادق، رحمانی خلیلی، احسان (۱۳۷۸)، «بررسی تاثیر دینداری بر مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۴، زمستان، (۵-۲۹).



Social participation and NAJA; Necessities, contexts, goals and strategies

Seyed Mohammad Raiszadeh¹

Abstract

The diversity of missions and the complexity of operating conditions and environment for many organizations and even governments, has created a situation that despite the many possibilities, relying solely on other capabilities within the organization can not achieve the desired goals, ideals and missions. Therefore, the use of non-organizational capacities to optimize the organizational capacities of the police is an inevitable necessity today. The existing capacities in the social field and the existing capitals in this field, which is one of the main areas of the police force's mission and constitutes the main stakeholders of the police force, create new opportunities for these planners, policymakers, executives and tasks of this force. It does. On the other hand, the institutional and organizational status of the police force in comparison with other organizations in the field of government institution and in public opinion is also important. Social participation as a macro strategy in order to achieve these goals can be given special attention. Utilizing various social capacities and capitals, including the desire and tendency of the society to participate and cooperate with the police in areas of the force's missions and giving institutionalized, organized or unorganized participation, members of the society and stakeholders in the affairs and services of the police force, is an issue. It can be effective in reducing the costs of this force in carrying out missions and create a kind of stability in situations such as stability and social security. The main purpose of this study is to explain this view and its theoretical and practical foundations in the category of social participation in general in order to draw guidelines and roadmap for planning in organized and unorganized action of social participation in the field of law enforcement missions. The research method is to use the expertise method and analyze the existing data in the field of social participation.

Keywords:

social participation, people, NAJA, social capital.

1.Faculty member of Defense Sciences Research Institute, Imam Hossein University (AS)
smreis110@gmail.com
